



## A Study of Allusive Intertextual Relations between Nahj al-Balāghah and the Qur'an on the Topic of Prophethood

Naser Shahrabi Farahani / M.A. in Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran  
nasernasersharab1368@gmail.com

 Rasoul Mohammad Jafari  / Associate Professor, Department of Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran  
r.mjafari@shahed.ac.ir

Received: 2025/05/01 - Accepted: 2025/07/13

### Abstract


According to the theory of intertextuality, no text or discourse exists that is not derived from other texts. The Holy Qur'an, which is the miracle of the Noble Prophet and was sent for the guidance of humanity, has inspired many religious and theological works by great scholars. Nahj al-Balāghah is one of the texts that has been profoundly influenced by the Qur'an, and its intertextual relationship with Qur'anic verses is extensive. Examining all dimensions of intertextuality between Nahj al-Balāghah and the Qur'an requires numerous studies. Focusing on the topic of "prophethood," the present research employs a descriptive–analytical method to answer the question: What is the nature of the allusive intertextual relations concerning prophethood between Nahj al-Balāghah and the Qur'an? The findings indicate that Imam 'Alī (peace be upon him) extensively explained issues related to prophethood—especially specific prophethood—by drawing inspiration from Qur'anic verses. General prophethood is mentioned twenty-two times, reflecting themes such as God's selection of prophets for guidance, the covenant taken from the prophets, and their duty of conveying the message. Specific prophethood is mentioned forty-five times and includes topics such as the recognition of the Seal of the Prophets by followers of other religions, the guidance of the pre-Islamic Arabs and their salvation from Hellfire, glad tidings of the final Prophet's mission, and the Ahl al-Bayt as the successors of the Prophet.

**Keywords:** Imam 'Alī; *Nahj al-Balāghah*; Qur'an; allusive intertextuality; general prophethood; specific prophethood

نوع مقاله: پژوهشی

## بررسی روابط بینامتنیت اشاره‌ای نهج البلاغه با قرآن در موضوع نبوت

ناصر شهراپی فراهانی / کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران  
nasernasersharab1368@gmail.com

رسول محمدجعفری  / دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران  
r.mjafari@shahed.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۱ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲

### چکیده

بر اساس نظریه بینامتنیت، هیچ نوشته یا مطلبی نیست، مگر آنکه از متون دیگر گرفته شده باشد. قرآن مجید که معجزه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و برای هدایت بشریت فرستاده شده، برای بسیاری از متون دینی و کلام بزرگان دین الهام‌بخش بوده است. نهج‌البلاغه یکی از متونی است که بسیار از قرآن متأثر بوده و رابطه بینامتنی آن با آیات قرآن بسیار است. بررسی تمام ابعاد بینامتنیت نهج‌البلاغه و قرآن، به پژوهش‌های بسیار نیاز دارد. این تحقیق با تمرکز بر موضوع «نبوت»، با روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال است که بررسی روابط بینامتنی «نبوت» در نهج‌البلاغه و قرآن در سطح بینامتنی اشاره‌ای چگونه است؟ نتایج تحقیق نشان داد که امام علی علیه السلام به‌صورت گسترده با الهام از آیات قرآن، مسائل نبوت به‌ویژه نبوت خاصه را تبیین فرموده است. به نبوت عامه ۲۲ بار اشاره شده و مسائلی مانند انتخاب پیامبران برای هدایت، پیمان گرفتن خداوند از پیامبران و وظیفه تبلیغ در آن انعکاس یافته است. به نبوت خاصه نیز ۴۵ بار اشاره شده و موضوعاتی مانند آشنا بودن پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله برای پیروان ادیان دیگر، هدایت اعراب جاهلی و نجات آنان از آتش جهنم، بشارت بر نبوت پیامبر خاتم، و اهل بیت علیهم السلام جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله در ذیل آن آمده است.

کلیدواژه‌ها: امام علی علیه السلام، نهج‌البلاغه، قرآن، بینامتنیت اشاره‌ای، نبوت عامه، نبوت خاصه.

واژه «بینامتنیت» متشکل از یک اسم (text) و یک پسوند اسم‌ساز (ualite) است و یکی از اصطلاحاتی است که در فرهنگ و ادبیات معاصر بسیار استفاده می‌شود. بینامتنی ایده‌ای است که در ساده‌ترین شکل آن، ارتباط دو لفظ، و در عمیق‌ترین شکل آن، ارتباط دو متن با همدیگر بررسی و تحلیل می‌شود. در حال حاضر در علم زبان‌شناسی از عنوان «بینامتنیت» برای نشان دادن اثرپذیری یک متن از متن دیگر استفاده می‌شود. بینامتنیت اصطلاحی جدید و تازه است که در دهه شصت میلادی توسط غربی‌ها طرح شد و پس از آن در ادبیات عرب گسترش یافت و سپس به سایر کشورهای دنیا سرایت پیدا کرد (امامی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۲۵).

در نهج‌البلاغه نیز روابط بینامتنی به وفور دیده می‌شود و بدون مبالغه، بسیاری از سخنان امیرمؤمنان (ع) متأثر از آیات قرآن است. امام علی (ع) نیز در بسیاری از خطبه‌ها و حکمت‌ها و نامه‌ها به موضوع نبوت اشاره داشته است. حضرت در این مسئله متأثر از قرآن بوده و بدون اینکه به آیات قرآن تصریح داشته باشد، مضامین آیات در آنها نهفته است. استخراج و تحلیل سخنان امام علی (ع) و آیات همسو در موضوع نبوت، پژوهشی در خور توجه است؛ لذا نظر به اهمیت آن، این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال است که بررسی بینامتنیت اشاره‌ای نهج‌البلاغه با قرآن در موضوع نبوت چگونه است؟

در خصوص ارتباط قرآن و نهج‌البلاغه تحقیقات و آثار بسیاری تألیف شده و به‌طور خاص در زمینه روابط بینامتنی قرآن و نهج‌البلاغه نیز چندین پژوهش در طی سال‌های قبل نوشته شده است؛ برای مثال: طحانی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیل روابط بینامتنی «دنیا» در نهج‌البلاغه و قرآن کریم»، حسینی‌فر (۱۳۹۹) در پایان‌نامه خود با عنوان تحلیل روابط بینامتنی «آخرت» در نهج‌البلاغه و قرآن، و مسبوق (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان روابط بینامتنی قرآن با خطبه‌های نهج‌البلاغه، از بینامتنیت نهج‌البلاغه و قرآن سخن گفته‌اند؛ باین‌حال در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها بررسی روابط بینامتنی نهج‌البلاغه و قرآن با محوریت موضوع «نبوت» انجام نشده است؛ درحالی‌که یکی از مباحث مهم در قرآن و نهج‌البلاغه، موضوع «نبوت» است. پژوهش حاضر برای جبران این کاستی سامان می‌یابد.

## ۱. تعریف مفاهیم تحقیق

دو واژه محوری تحقیق، «بینامتنیت» و «نبوت» است؛ بنابراین لازم است معنا و مفهوم اراده‌شده از آنها در این تحقیق تبیین شود.

### ۱-۱. بینامتنیت

قانون حاکم بر بینامتنیت این را می‌گوید که یک متن به‌صورت یک‌باره و بدون بهره‌گیری از متن‌های قبل از خود به وجود نیامده است؛ بلکه هر متنی حاصل امتزاج، به‌هم‌پیوستگی و ارتباط متقابل اندیشه‌های قبلی با ذوق،

بینش و ایده‌های کنونی است. بنابراین بر اساس رویکرد بینامتنیت، هیچ متنی خودبسنده و مستقل نیست؛ بلکه آمیزه‌ای از آواهای پیش از خود است. حتی بر اساس این نظریه می‌توان گفت که سیر پیدایش و پیشرفت همه علوم مبتنی بر استفاده از داشته‌های قبلی علمی است؛ زیرا آنچه در گذشته بوده، زمینه‌ای بوده است برای آنچه در حال حاضر هست (نامور مطلق، ۱۳۹۰، ص ۲۸). از لحاظ فنی و هنری، روابط بینامتنی اقسامی دارد که از جمله عبارت‌اند از: الف) بینامتنیت کامل متنی؛ ب) بینامتنیت کامل تعدیلی؛ ج) بینامتنیت اشاره‌ای (تلمیحی)؛ د) بینامتنیت واژگانی (حبیبی، ۱۳۹۲، ص ۳۲).

الف) بینامتنیت کامل متنی: در این قسم، تأکید بر متن کامل و مستقل است و کاملاً همان متن اولیه، بدون کم و زیاد شدن، در سیاق اصلی‌اش به وسیله خالق متن حاضر (پسامتن) استفاده می‌شود. خواه این متن یک جمله یا یک مصرع یا یک بیت یا عبارت نثری باشد (شاهرخی شهرکی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۲۵).

ب) بینامتنیت کامل تعدیلی: در این قسم از روابط، شاعر به متنی مستقل و کامل (خواه یک جمله یا بیت یا یک بیت یا جمله نثری) تأکید دارد. او این بخش از متن را از سیاقش جدا می‌کند و بعد از انجام برخی اصلاحات ساده یا پیچیده، مثل افزایش یا کم کردن کلمات، تقدیم و تأخیر بخش‌ها، عوض کردن زمان و صیغه افعال، تبدیل عبارات انشایی به خبری و بالعکس، آن متن را در بافت متن شعر خود قرار می‌دهد و از آن در راستای تبیین اندیشه شعری نو استفاده می‌کند (تقوایی کارمزدی، ۱۳۹۴، ص ۶۷).

ج) بینامتنیت اشاره‌ای (تلمیحی): در این قسم، شاعر به ذکر یک یا چند نشانه در کلام، که خواننده را به متن غایب راهنمایی می‌کند، بسنده کرده، با کلماتی کم معانی زیادی را به اذهان خوانندگان می‌رساند (حبیبی، ۱۳۹۲، ص ۴۷؛ راستگو، ۱۳۹۶، ص ۵۲).

د) بینامتنیت واژگانی: در این روش اثرپذیری، شاعر در به‌کارگیری بخشی از ترکیب‌ها و کلمات، متأثر از قرآن است؛ یعنی عبارات و کلماتی را در شعر خود به کار می‌گیرد که ریشه قرآنی دارند؛ به گونه‌ای که اگر قرآن نبود، زبان و ادب نیز از آن کلمات بی‌بهره بود؛ مانند استفاده از عبارات «کراماً کاتبین»، «ید بیضاء»، «عروة‌الوثقی»، «فی احسن تقویم» و بسیاری از نام‌های خاص قرآن، مثل آدم، حوا، ابراهیم، جالوت، طالوت، قابیل، هابیل و... (راستگو، ۱۳۹۶، ص ۱۸-۱۵).

## ۱-۲. نبوت

در اصطلاح علم کلام، به بحث درباره مطلق پیامبران آسمانی بدون اشاره به نبوت شخصی معین، «نبوت عامه» گفته می‌شود (سبحانی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۹؛ غرویان و همکاران، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۲۳) و به بحث درباره نبوت فرد معینی از پیامبران مانند حضرت محمد ﷺ با هدف بیان دلایل و اثبات نبوت ایشان، «نبوت خاصه» می‌گویند

(سبحانی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۹). نبوت خاصه در کتاب‌های کلامی مشخصاً به مباحث مرتبط با پیامبر خاتم‌الصلوات اختصاص دارد که به ویژگی‌های زندگی آن حضرت و نیز دوران رسالت ایشان می‌پردازد (غروی‌ان و همکاران، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۲۳). در نبوت عامه، این مسائل مورد بحث قرار می‌گیرد: لزوم بعثت پیامبران؛ راه شناسایی پیامبران واقعی از مدعیان دروغین؛ حقیقت وحی؛ شرایط روحی و جسمی پیامبران الهی؛ فواید بعثت پیامبران؛ و ویژگی‌های پیامبران (سبحانی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۱۶-۲۷۷؛ غروی‌ان و همکاران، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵، ۱۲۲-۱۳۰). در نبوت خاصه نیز این قبیل مباحث مورد مطالعه است: اعجاز قرآن؛ مصونیت قرآن از تحریف؛ جهانی و جاودانگی بودن اسلام؛ و خاتمیت (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۰۶، ۳۱۸، ۳۲۶ و ۳۳۴؛ غروی‌ان و همکاران، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵، ۱۶۱، ۱۷۶، ۱۸۵ و ۱۹۳).

## ۲. بررسی روابط بینامتنیت اشاره‌ای نهج البلاغه با قرآن در موضوع نبوت عامه و خاصه

با توجه به تبیین صورت‌گرفته از بینامتنیت و نبوت عامه و خاصه، به بررسی روابط بینامتنی نهج البلاغه با قرآن پرداخته می‌شود. از آنجاکه بسیاری از فرازهای نهج البلاغه در موضوع محل بحث با قرآن ارتباط دارند، به‌منظور رعایت اقتضای حجم مقاله، تنها سه نمونه به تفصیل بحث می‌شود و موارد دیگر در قالب جدول عرضه می‌گردد. برای تبیین نمونه‌های مورد بحث، ابتدا سخن امام علی علیه السلام تحت عنوان «متن حاضر» و سپس آیه یا آیات قرآن تحت عنوان «متن غایب» گزارش شده، آن‌گاه به تحلیل روابط بینامتنی اشاره‌ای میان آنها پرداخته می‌شود.

### ۲-۱. ضرورت بعثت پیامبران

متن حاضر: در خطبه اول نهج البلاغه آمده است: «لَمْ يَخْلِ اللَّهُ سُبْحَانَهُ خَلْقَهُ مِنْ نَبِيِّ مُرْسَلٍ أَوْ كِتَابٍ مُنْزَلٍ أَوْ حُجَّةٍ لَازِمَةٍ أَوْ مَحَجَّةٍ قَائِمَةٍ» (سید رضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۳)؛ خداوند سبحان هیچ‌گاه جامعه بشری را از پیامبر مرسل یا کتاب آسمانی یا دلیلی قاطع یا راهی روشن خالی نگذاشته است.

متن غایب: «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ» (فاطر: ۲۴)؛ هر امتی در گذشته انذارکننده‌ای داشته است. تحلیل رابطه بینامتنی: در آیات قرآن از ارسال پیامبران به‌سوی همه انسان‌ها سخن گفته شده است. آیه یادشده از جمله آنهاست و بر ضرورت وجود پیامبران برای هدایت انسان‌ها دلالت دارد و این امر از موضوعات نبوت عامه است.

در نظام الهیاتی که خدا خالق جهان و واضع شریعت است، واسطه‌هایی بین او و انسان‌ها وجود دارد تا هم بشر برنامه سعادت خود را از او بگیرد و هم از مصالح و مفاسد خود آگاه شود (جمالی و جوادی‌پور، ۱۴۰۰، ص ۵۵). علامه طباطبائی بر این باور است که طبق سیاق، مفاد آیه «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ» این است که هیچ قومی از اقوام گذشته نبوده، مگر آنکه انذاردهنده‌ای در میان آنان بوده است. فرستادن بشارت‌دهنده و انذاردهنده،

از سنت‌های خداوند است که پیوسته در عالم آفرینش جریان دارد. از ظاهر سیاق برمی‌آید که مراد از «نذیر»، پیامبری است که از طرف خدا مبعوث شود؛ ولی برخی از مفسران، «نذیر» را به مطلق افرادی تفسیر کرده‌اند که مردم را انذار می‌کنند؛ خواه پیامبر باشد و خواه عالمی از میان عالمان. این تفسیر خلاف ظاهر آیه است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۵۱)؛ اما آیت‌الله جوادی آملی معتقد است که فقره «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ»، بدان معنا نیست که در میان همه امت‌ها و ساکنان هر منطقه، شخص پیامبر الهی حضور دارد؛ بلکه اعم از پیامبر الهی و امامان و دیگر عالمان و مبلغان دین مراد است که سبب اتمام حجت الهی‌اند؛ چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ تنها در بخشی از حوزه اسلامی صدر اسلام بودند و دیگر مناطق را با فرستادگان و نمایندگان خود تبلیغ و اداره می‌کردند؛ به گواهی اینکه خداوند می‌فرماید: اگر ما می‌خواستیم، برای هر روستایی یک پیامبر می‌فرستادیم: «وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا» (فرقان: ۵۱). از این آیه برمی‌آید که برای هر شهر یا روستا پیامبر نبوده است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۹، ص ۶۳۷)؛ چنان‌که در دوره فترت رسل، رسولی نبوده است؛ اما نبی و وصی یا حجج الهی بوده‌اند (کریمی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۵).

در سخن امام علی علیه السلام به چهار موضوع اشاره شده است که همواره یکی از آنها یا بخشی از آنها در بین خلق خدا وجود دارد و از این راه بر آنها اتمام حجت می‌شود: نخست پیامبران خداست؛ چه صاحب کتاب آسمانی باشند یا نه؛ زیرا وجود پیامبر در هر حال مایه رشد و بیداری و اسباب اتمام حجت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۱۸-۲۱۷)؛ دوم کتاب‌های آسمانی است که در میان مردمان وجود دارد؛ هرچند پیامبرانی که آن را آورده‌اند، از این دنیا رحلت کرده‌اند؛ سوم اوصیا و امامان معصوم‌اند که از آن به «حُجَّةٍ لَزِمَةٍ» تعبیر شده است؛ البته برخی احتمال داده‌اند که منظور از حجت، دلیل عقل باشد؛ ولی چون دلیل عقل به‌تنهایی برای هدایت کافی نیست، این احتمال بعید به‌نظر می‌رسد؛ اما مانعی ندارد که هر دو با هم در این عبارت جمع باشند؛ چهارم سنت پیامبران و اوصیا و امامان علیهم السلام، که از آن به «مَحَجَّةٍ قَائِمَةٍ» تعبیر شده است؛ زیرا «مَحَجَّة» را در لغت به معنی طریقه واضح و مستقیم معنا کرده‌اند؛ چه ظاهری باشد و چه معنوی؛ راهی که انسان را به مقصود می‌رساند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۱۸).

از آنچه گذشت، روشن شد که این سخن امام علی علیه السلام که فرمود: «لَمْ يُخَلِّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ خَلْقَهُ مِنْ نَبِيِّ مُرْسَلٍ أَوْ كِتَابٍ مُنْزَلٍ أَوْ حُجَّةٍ لَزِمَةٍ أَوْ مَحَجَّةٍ قَائِمَةٍ» با این کلام خداوند: «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ» کاملاً ارتباط مفهومی دارد و سخن امام علیه السلام برگرفته از این آیه است و چون عبارت قرآنی در آن به کار نرفته و تنها مفهوم کلام خداوند در آن نهفته است، رابطه میان آن دو از نوع رابطه بینامتنی اشاره‌ای است. سخن امام علیه السلام تبیین‌کننده آیه نیز می‌باشد و اندازدهنده را یکی از چهار امر دانسته است: پیامبر مرسل، کتاب آسمانی، دلیل

قاطع یا راه روشن. البته ممکن است که هر چهار مورد در زمانی واحد جمع شوند. بر پایه سخن امام علیه السلام، دیدگاهی که انذاردهنده را اعم از پیامبران می‌داند و عالمان و مبلغان دین را نیز می‌تواند شامل شود، تقویت می‌شود.

## ۲-۲. توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله

متن حاضر: در خطبه ۱۱۰ آمده است: «إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى الْإِيمَانُ بِهِ وَبِرَسُولِهِ» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۳)؛ برترین وسیله‌ای که متوسلان به خدا به آن توسل می‌جویند، ایمان به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله اوست.

متن غایب: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مائده: ۳۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت با فرمان) خدا بپرهیزید! و وسیله‌ای برای تقرب به او بجوید.

تحلیل رابطه بینامتنی: خطبه ۱۱۰ را به نام «خطبه دیباج» می‌خوانند و در چند کتاب دیگر هم نقل شده است؛ از جمله در کتاب *تحف العقول*، که عبارات آن چندین برابر آن چیزی است که در *نهج البلاغه* آمده است. شاید بتوان گفت که اصل خطبه نقل شده در *تحف العقول* تقریباً پنج برابر خطبه‌ای است که در *نهج البلاغه* ذکر شده است (منتظری، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۱۳۶).

هرچه با آن به کسی نزدیکی جوییم، «توسل» یا «وسیله» نامیده می‌شود. امام علی علیه السلام در این خطبه به بهترین وسایل برای جلب خشنودی و پاداش خداوند اشاره می‌کند (مغنیه، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۴۸). در کلام امام علی علیه السلام آمده است: بهترین چیز یا بهترین وسیله‌ای که مقرران درگاه الهی با آن به خداوند تقرب می‌یابند، ایمان به خدا و ایمان به فرستاده اوست: «أَلَا إِيْمَانٌ بِهِ وَبِرَسُولِهِ». در درجه اول و مهم‌تر از همه، ایمان قلبی است. اگر انسان اعمال خوب انجام دهد، ولی به خدا ایمان نداشته باشد، نفعی برای او ندارد. در مرحله نخست باید به خدا ایمان داشت. «ایمان» به معنای عقیده و باوری است که موجب آرامش می‌شود؛ چراکه وقتی انسان به خدا ایمان داشته باشد، این اعتقاد سبب آرامش دل او می‌شود؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸) (منتظری، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۱۳۶).

پس نخستین وسیله‌ای که انسان را به خداوند نزدیک می‌سازد و موجب ارتباط با خدا می‌شود، ایمان است که یک امر قلبی است. در مرحله بعد، نوبت به امور عملی می‌رسد (منتظری، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۱۳۸-۱۳۹).

امام علی علیه السلام در این بخش از خطبه، بهترین چیزی را که رهروان راه حق و سالکان طریق بندگی خدا می‌توانند به آن متوسل شوند و به قرب پروردگار راه یابند، بیان می‌کنند؛ از جمله می‌فرمایند: «برترین وسیله‌ای که متوسلان به خدا به آن توسل می‌جویند، ایمان به خدا و پیامبر اوست». این تعبیر، گویی به آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» اشاره دارد و شرح و تفسیر آن است؛ زیرا خداوند در این آیه ابتدا دستور

به تقوا می‌دهد؛ سپس دستور به انتخاب وسیله به سوی خداوند؛ و به این ترتیب، منظور از «وسیله» ایمان و جهاد و سایر اعمالی است که در این خطبه آمده است. این سخن با تفسیر دیگر آیه که وسیله را شفاعت اولیاء‌الله می‌شمرد، منافات ندارد؛ زیرا همهٔ این وسایل می‌توانند در مفهوم آیهٔ یادشده جمع باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۶۲۰).

در این آیه، خداوند به مؤمنان دستور می‌دهد که برای تقرب به خداوند وسیله‌ای بجویند. البته در اینجا نوع وسیله تعیین نشده و معلوم است که هر آنچه مرضی خدا و مورد توجه او باشد، می‌تواند وسیله قرار گیرد. حال ممکن است که این وسیله از نوع اشیا باشد، مانند کعبه، حجرالاسود و قرآن، یا از نوع افعال باشد، مانند نماز، حج و جهاد، یا از نوع ترک‌کردنی باشد، مانند روزه، یا از نوع اشخاص باشد، مانند اولیاء‌الله از انبیا و صلحا و شهدا؛ و بالاخره هر چیزی که ما را به خدا نزدیک کند و خدا را به یاد ما بیندازد، می‌تواند وسیلهٔ میان ما و خدا باشد. اولیای خدا نیز همین حالت را دارند (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۴۱).

«وسیله» در آیهٔ «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» عام است و هیچ عامی مصداق خود را مشخص نمی‌کند؛ ولی از ادلهٔ دیگر درمی‌یابیم که همهٔ عبادت‌ها، از جمله نماز، روزه، جهاد، نذر و محبت اهل بیت علیهم‌السلام، همه وسیله‌اند و بهره‌گیری از آنها در درگاه الهی توسل شمرده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۵۲۴).

«وسیله» در اصل به معنای تقرب جستن یا چیزی است که باعث تقرب به دیگری از روی علاقه و رغبت می‌شود. بنابراین وسیله در آیهٔ یادشده معنای بسیار گسترده‌ای دارد و هر کار و هر چیزی را که باعث نزدیک شدن به درگاه خداوند متعال می‌شود، دربرمی‌گیرد که مهم‌ترین آنها ایمان به خدا و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و جهاد و عباداتی مانند نماز و زکات و روزه و حج و نیز صلۀ رحم و انفاق در راه خدا - اعم از انفاق‌های پنهانی و آشکار - و همچنین هر کار نیک و خوب است؛ چنان که امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه فرموده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۳۶۴).

از مقایسهٔ سخن امام علی علیه‌السلام که فرمود: «إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى الْإِيمَانُ بِهِ وَبِرَسُولِهِ» با آیهٔ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» روشن شد که اولاً سخن امام علیه‌السلام ناظر به آیهٔ شریفه و برگرفته از آن است و ارتباط بینامتنیت اشاره‌ای میان آنها برقرار است؛ ثانیاً کلام حضرت می‌تواند بیانگر مصادیق «وسیله» در آیه باشد و ایمان به خداوند و رسولش وسایلی برای توسل به خداوند هستند.

### ۲-۳. جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

امامت به معنایی که شیعه بدان معتقد است، اساسی‌ترین باوری است که موجب امتیاز شیعهٔ امامیه از دیگر فرق اسلامی شده است (فاریاب، ۱۳۹۱، ص ۲۵)؛ لذا موضوع جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به صورت یک مسئلهٔ جدی در تمایز شیعه با دیگر

فرقه‌ها در میان تمام اهل بیت علیهم‌السلام مطرح بوده است. در نهج البلاغه فراوان از آن سخن به میان آمده است.

متن حاضر: در خطبه ۱۰۹ آمده است: «نَحْنُ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ وَمَحَطُّ الرِّسَالَةِ وَمُحْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَمَعَادِنُ الْعِلْمِ وَيَنَابِيعُ الْحُكْمِ» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۳-۱۶۲)؛ ما درخت نبوتیم و فرودگاه رسالت، و جای آمدوشد فرشتگان رحمت، و کان‌های دانش و چشمه‌سارهای بینش». در خطبه دوم آمده است: «لَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوِلَايَةِ وَفِيهِمُ الْوَصِيَّةُ وَالْوَرَاةُ» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۷)؛ حق ولایت، خاص ایشان است و میراث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مخصوص آنان. متن غایب: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا اطاعت کنید و از پیامبر و اولیای امر خود [نیز] اطاعت کنید.

تحلیل رابطه بینامتنی: مسائل مرتبط با جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در نهج البلاغه در سه موضوع است: مقام ممتاز اهل بیت علیهم‌السلام، احقیق و اولویت ایشان، انتقاد از خلفا و فلسفه سکوت (مطهری، ۱۳۹۲، ص ۱۴۳-۱۴۴). دو موضوع اول با آیه اولوالامر رابطه بینامتنیت دارند. خطبه ۱۰۹ در معرفی مقام ممتاز اهل بیت علیهم‌السلام و درباره احقیق و اولویت ایشان است.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در این خطبه در معرفی مقام ممتاز اهل بیت علیهم‌السلام فرموده‌اند: «ما درخت نبوتیم و فرودگاه رسالت، و جای آمدوشد فرشتگان رحمت، و معادن و سرچشمه‌های دانش و بینش» و درباره احقیق و اولویت اهل بیت علیهم‌السلام در خطبه دوم بیان کرده‌اند: «حق ولایت خاص ایشان است و میراث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مخصوص آنان. اکنون حق به خداوند آن رسید و رخت بدان‌جا که بایسته اوست، کشید».

این سخنان امام علی علیه‌السلام اشاره به آیه اولوالامر دارد. در این آیه، خداوند بلافاصله پس از دستور به اطاعت از خود، فعل «اطیعوا» را برای پیروی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و صاحبان امر به‌طور مشترک به کار برده است. بر این اساس، تمام ویژگی‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باید در اولوالامر - به جز نبوت - جمع باشد. کلام امام علیه‌السلام مبنی بر اینکه «ما درخت نبوتیم...» و «حق ولایت خاص ایشان است...»، هم‌پایه مفهوم محل بحث و مبین آن است.

توضیح افزون‌تر آنکه، مهم‌ترین آیات مرتبط با امامت به سه بخش منقسم‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۳۵۵-۹): ۱. آیات خلافت و ولایت بر مسلمانان: این قسم شامل پنج مورد است که عبارت‌اند از: آیه «اولوالامر» (نساء: ۵۹)، آیه «تبلیغ» (مائده: ۶۷)، آیه «کمال دین» (مائده: ۳)، آیه «ولایت» (مائده: ۵۵) و آیه «صادقین» (توبه: ۱۱۹)؛ ۲. آیات فضایل اهل بیت علیهم‌السلام: این قسم شامل شش مورد است: آیه «تطهیر» (احزاب: ۳۳)، آیه «مودت» (شوری: ۲۳)، آیه «مباهله» (آل عمران: ۶۱)، آیات سوره «دهر» (انسان: ۵-۲۲) و آیه «توبه آدم» (بقره: ۳۷)؛ ۳. آیات فضایل خاص امام علی علیه‌السلام: این قسم نیز شامل پانزده مورد است: از جمله آیه «لیلة المبیّت» (بقره: ۲۰۷)، آیه «سقایة الحاج» (توبه: ۱۹)، آیه «نصرت» (توبه: ۴۰)، آیه «علم‌الکتاب» (رعد: ۴۳)، آیه «مؤذن»

(توبه: ۳)، آیه «اذان» (جمعه: ۹)، آیه «محسنین» (بقره: ۱۹۵)، آیه «السابقون الأولون» (توبه: ۱۰۰)، آیه «محبت» (مائده: ۵۴)، آیه «سابقون» (واقع: ۱۰)، آیه «اذن و اعیه» (حاقه: ۱۲)، آیه «صالح المؤمنین» (تحریم: ۴)، آیه «انذار و هدایت» (شعراء: ۲۱۴)، آیه «خیر البریه» (بینه: ۷) و آیه «حکمت» (بقره: ۲۶۹).

در بین سه دسته یادشده، آیات دسته اول بیشترین ارتباط را با بحث حاضر دارد. در بین آیات این دسته نیز آیه «اولوالامر» به جهت آنکه جریان‌های کلامی دیدگاه خود را در مسئله امامت بر محور آن سامان داده‌اند، بیشترین اهمیت را دارد.

طبری، از عالمان برجسته اهل سنت، معتقد است که صحیح‌ترین نظر درباره «اولوالامر» این است که آنان حاکمان و والیان‌اند. وی این نظر را مستند به اخبار پیامبر ﷺ می‌کند که به اطاعت از پیشوایان و والیان در هر آنچه تبعیت آنان و مصلحت مسلمانان است، امر فرموده‌اند؛ مانند روایت ابوهریره از پیامبر ﷺ که فرمود: بعد از من والیانی خواهند آمد. برخی نیک‌اند و برخی فاجر. به سخنان آنان گوش فرادهید و در آنچه موافق حق است، فرمان برید. پشت آنان نماز (به جماعت) گذارید. اگر نیکی ورزند، شما و آنان از نیکی بهره‌مند می‌شوید؛ و اگر بد کنند، بدی دام‌گیر شما و آنان خواهد شد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۹۵).

احمدبن حنبل، از بزرگان اهل حدیث، در رساله *اصول السنه* که به تبیین عقاید اهل سنت پرداخته است، می‌نویسد: از پیشوایان و امیرمؤمنان، نیک‌مرد باشد یا فاجر، باید اطاعت کرد و از هر کس که خلافت را به عهده گیرد و مردم بر او اجماع کرده و راضی باشند و نیز از هر کس که با شمشیر غلبه یافته و به خلافت رسد و امیر مؤمنان نامیده شود، باید اطاعت کرد (احمدبن حنبل، ۱۴۱۱ق، ص ۴۲). اهل سنت اجماع امت را حجت دانسته و از رسول خدا ﷺ به طرق و الفاظ مختلف نقل کرده‌اند: خداوند هرگز امت من را بر گمراهی به اجماع نمی‌آورد (حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۵). عامه معتقدند که امت بر بیعت با ابوبکر اجماع کردند و بر اساس این فرموده پیامبر ﷺ، اجماع امت حجت است (سیدشرف‌الدین، ۱۴۰۲ق، ص ۴۹۴).

بنابراین آنان چنین امامی را - هرگونه که باشد - لازم‌الاتباع می‌دانند. وقتی از ابوحنیفه سؤال شد که آیا جایز است پشت سر قاتل نماز خواند، گفت: نماز پشت سر هر نیک و گناهکاری جایز است؛ تو مأجور خواهی بود و بار گناه به دوش او خواهد بود (ابوحنیفه، ۱۴۲۵ق، ص ۶۰۹-۶۱۰). این فتوای ابوحنیفه مستند به حدیثی است که از پیامبر ﷺ نقل می‌کند: ظلم امام ظالم و عدالت امام عادل به شما زیان نمی‌رساند؛ شما از اجر عمل بهره‌مند می‌شوید و گناه عمل به دوش او خواهد بود (ابوحنیفه، ۱۴۲۵ق، ص ۶۰۳). همچنین در جوامع روایی اهل سنت از پیامبر ﷺ نقل شده است: یکی از پایه‌های دین، نماز گذاردن در عقب هر نیک‌مرد و فاجری است و جهاد با هر امیری است و تو مأجور هستی (نسائی، ۱۳۴۸ق، ج ۴، ص ۱۹).

اهل بیت علیهم‌السلام مراد از «اولوالامر» را عالمان و فقیهان می‌دانند؛ اما عمومیت را نفی می‌کنند و آن را خاص اهل بیت علیهم‌السلام می‌دانند. امام باقر علیه‌السلام در پاسخ به سؤالی درباره آیه می‌فرماید: اولوالامر فقیهان و عالمان‌اند. سائل پرسید: آیا خاص است یا عمومیت دارد؟ امام علیه‌السلام فرمود: آیه خاص ما می‌باشد (فرات کوفی، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۰۸). در روایتی دیگر، امام باقر علیه‌السلام در پاسخ به سؤال دو تن، «اولوالامر» را به عالمان تفسیر می‌کند. آنان از محضر امام علیه‌السلام خارج می‌شوند؛ اما برای دانستن کیستی عالمان دوباره به امام علیه‌السلام رجوع می‌کنند و ایشان می‌فرمایند: امامان از اهل بیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند (ابن‌حیون، ۱۳۸۵ ق، ج ۱، ص ۲۴).

روایاتی که در اکثریت قرار دارند، صریحاً با ذکر نام امام علی علیه‌السلام یا ایشان و فرزندان‌شان، آنان را «اولوالامر» معرفی می‌کنند؛ برای نمونه، ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه‌السلام درباره آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» سؤال کردم. فرمود: در شأن علی بن ابی‌طالب، حسن و حسین علیهم‌السلام نازل شده است. ابوبصیر گوید: عامه می‌گویند: چرا نام علی و اهل بیتش علیهم‌السلام در قرآن نیامده است؟ امام علیه‌السلام فرمود: به آنان بگویید: بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آیه نماز فرود آمد؛ ولی خداوند تعداد رکعت‌ها را تعیین نکرد و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود که آن را تبیین کرد؛ آیه زکات فرود آمد؛ ولی مقدار آن به‌زای هر چهل درهم، یک درهم زکات را مشخص نکرد و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود که آن را تفسیر کرد؛ آیه حج نازل شد؛ ولی نفرمود که هفت دور طواف کنند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود که آن را تفسیر کرد؛ همچنین آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» در شأن علی، حسن و حسین علیهم‌السلام فرود آمد و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره علی علیه‌السلام فرمود: «هر که من مولای اویم، علی مولای اوست»؛ و فرمود: «شما را به پیروی از کتاب خدا و اهل بیتم سفارش می‌کنم» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۲۸۶-۲۸۷).

### ۱-۳-۲. جدول روابط بینامتنیت اشاره‌ای نهج البلاغه با قرآن در موضوع نبوت

رابطه بینامتنی		متن غایب	متن حاضر
مفهوم جزئی	مفهوم کلی		
انتخاب پیامبران برای هدایت	نبوت عامه	إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ (آل عمران: ۳۳)	وَ اصْطَفَىٰ سُبْحَانَہُ مِنْ وَلَدِہِ أَنْبِیَاءَ (خطبہ ۱)

<p>پیمان گرفتن خداوند از پیامبران</p>	<p>نبوت عامه</p>	<p>وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِيثَاقًا غَلِيظًا (احزاب: ۷)</p>	<p>أَخَذَ عَلَى الْوَحْيِ مِيثَاقَهُمْ (خطبه ۱)</p>
<p>وظیفه تبلیغ</p>	<p>نبوت عامه</p>	<p>الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (احزاب: ۳۹)</p>	<p>أَخَذَ عَلَى الْوَحْيِ مِيثَاقَهُمْ وَ عَلَى تَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ آمَاتَهُمْ (خطبه ۱)</p>
<p>فرستادن پیامبر برای هر امتی</p>	<p>نبوت عامه</p>	<p>وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا (نحل: ۳۶)</p>	<p>فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ (خطبه ۱)</p>
<p>فرستادن پیامبر</p>	<p>نبوت عامه</p>	<p>ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَىٰ (مومنون: ۴۴)</p>	<p>فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَآتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ (خطبه ۱)</p>
<p>مطالبه از مردم برای به‌جای آوردن عهد فطری خداوند با آنان</p>	<p>نبوت عامه</p>	<p>فَاقِمِ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ (روم: ۳۰)</p>	<p>فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَآتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ (خطبه ۱)</p>
<p>یادآوری نعمت‌های فراموش شده</p>	<p>نبوت عامه</p>	<p>وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ (مائده: ۲۰)</p>	<p>فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَآتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يَذْكُرُوهُمْ مَنَسَى نِعْمَتِهِ (خطبه ۱)</p>
<p>فرستادن حجت الهی برای هر امتی</p>	<p>نبوت عامه</p>	<p>وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ (فاطر: ۲۴)</p>	<p>لَمْ يُخَلِّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ خَلْقَهُ مِنْ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ أَوْ كِتَابٍ مُنْزَلٍ أَوْ حُجَّةٍ لَازِمَةٍ أَوْ مَحَجَّةٍ قَائِمَةٍ (خطبه ۱)</p>
<p>آشنا بودن پیامبر خاتم ﷺ برای پیروان ادیان دیگر</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ (بقره: ۱۴۶)</p> <p>وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ (صف: ۶)</p>	<p>إِلَى أَنْ بَعَثَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ لِإِنْجَارِ عِدَّتِهِ وَ إِتْمَامِ نُبُوتِهِ مَا خُوذًا عَلَى النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُ، مَشْهُورَةً سِمَاتِهِ (خطبه ۱)</p>

<p>هدایت عرب جاهلیت و نجات آنان از آتش جهنم</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا (آل عمران: ۱۰۳)</p>	<p>إِلَى أَنْ بَعَثَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ لِإِنجَازِ عِدَّتِهِ... فَيَهْدَاهُمْ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ أَنْقَذَهُمْ بِمَكَانِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ (خطبه ۱)</p>
<p>ضرورت وجود وصی برای هر پیامبری</p>	<p>نبوت عامه</p>	<p>يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ (نساء: ۵۹)</p>	<p>وَ خَلَّفَ فِيكُمْ مَا خَلَّفَتِ الْأَنْبِيَاءُ فِي أُمَّهَاتِهِمْ لَمْ يَتْرُكُوهُمْ هَمَلًا بَعِيرَ طَرِيقٍ وَاضِحٍ وَ لَا عَلِمَ قَائِمٍ (خطبه ۱)</p>
<p>کمی حق باوران و فراوانی حق ستیزان</p>	<p>نبوت عامه</p>	<p>فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنَ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ إِنَّ هُوَ لَشَرُّ ذَمَّةٍ لِقَلِيلٍ وَ إِنَّهُمْ لَنَا لِعَانِطُونَ وَ إِنَّا لَجَمِيعٌ حَادِرُونَ (شعراء: ۵۳-۵۶)</p>	<p>رُسُلٌ لَا تُقْصِرُ بِهِمْ قَلَّةٌ عَدَدِهِمْ وَ لَا كَثْرَةٌ الْمُكَذِّبِينَ لَهُمْ (خطبه ۱)</p>
<p>بشارت بر نبوت پیامبر خاتم</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ (صف: ۶)</p>	<p>مِنْ سَابِقٍ سَمِيَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَوْ غَابِرٍ عَرَفَهُ مِنْ قَبْلِهِ عَلَى ذَلِكَ نَسَلَتِ الْقُرُونُ وَ مَضَتِ الدُّهُورُ وَ سَلَفَتِ الْأَبَاءُ وَ خَلَفَتِ الْإِبْنَاءُ (خطبه ۱)</p>
<p>اهل بیت جانشینان پیامبر</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (رعد ۴۳)</p>	<p>هُم مَوْضِعُ سِرِّهِ وَ لِحَا أَمْرِهِ وَ عَيْنَةُ عِلْمِهِ، وَ مَوْتِلُ حُكْمِهِ، وَ كَهْوَفُ كِتَابِهِ (خطبه ۲)</p>
<p>دعوت پیامبر با علم و استدلال</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا (نساء: ۱۷۴)</p>	<p>وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالَّذِينَ الْمَشْهُورُ وَ الْعِلْمُ الْمَأْتُورُ وَ الْكِتَابُ الْمَسْطُورُ وَ النُّورُ السَّاطِعُ وَ الضِّيَاءُ اللَّامِعُ (خطبه ۲)</p>

<p>موضوع‌گیری متفاوت مردمان در قبال دعوت پیامبران</p>	<p>نبوت عامه</p>	<p>ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يَأْذِنُ اللَّهُ (فاطر: ۳۲)</p>	<p>تُشْغِلُ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ أُمَّامَهُ سَاعَ سَرِيحِ نَجَا، وَ طَالِبِ بَطِيءِ رَجَا، وَ مَقْصَرِ فِي النَّارِ هُوَ (خطبه ۱۶)</p>
<p>بشر بودن پیامبران</p>	<p>نبوت عامه</p>	<p>اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ (حج: ۷۵)</p>	<p>و مَا يُبَلِّغُ عَنِ اللَّهِ بَعْدَ رُسُلِ السَّمَاءِ إِلَّا الْبَشَرَ (خطبه ۲۰)</p>
<p>پیامبر ﷺ مبعوث به‌سوی همه مردمان</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>نَذِيرًا لِلْبَشَرِ (مدرثر: ۳۶)</p>	<p>إِنَّ اللَّهَ [تَعَالَى] بَعَثَ مُحَمَّدًا نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ (خطبه ۲۶)</p>
<p>امانت‌داری پیامبر ﷺ در ابلاغ وحی</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ (تکویر: ۲۴)</p>	<p>إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ وَ آمِينًا عَلَى التَّنْزِيلِ (خطبه ۲۶)</p>
<p>جاهلیت مردم عصر پیامبر ﷺ</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (بقره: ۱۵۱)</p>	<p>إِنَّ اللَّهَ [سُبْحَانَهُ] بَعَثَ مُحَمَّدًا وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْعَرَبِ يَقْرَأُ كِتَابًا وَ لَا يَدْعِي نُبُوَّةَ (خطبه ۳۳)</p>
<p>قتال پیامبر ﷺ و یاران با خویشان کافر</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ أَيْدِيَهُمْ بَرُوحٌ مِنْهُ وَ يَدْخُلُهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (مجادله: ۲۲)</p>	<p>وَ لَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ نَقْتُلُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاءَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ أَعْمَامَنَا، مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا (خطبه ۵۶)</p>

<p>درد و ویژه خداوند بر پیامبر ﷺ</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (احزاب: ۵۶)</p>	<p>اجْعَلْ شَرَائِفَ صَلَوَاتِكَ وَ نَوَامِي بَرَكَاتِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ (خطبه ۷۲)</p>
<p>خاتمیت نبوت با پیامبر ﷺ</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتِمَ النَّبِيِّينَ (احزاب: ۴۰)</p>	<p>الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ (خطبه ۷۲)</p>
<p>اهل بیت ﷺ جانشینان پیامبر ﷺ</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِّعُوا اللَّهَ وَ اطِّعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنكُمْ (نساء: ۵۹)</p>	<p>كَيْفَ تَعْمَهُونَ وَ بَيْنَكُمْ عِتْرَةٌ نَّبِيِّكُمْ؟ وَ هُمْ أَزْمَةٌ الْحَقِّ وَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَ أَلْسِنَةُ الصِّدْقِ فَأَنْزِلُوهُمْ بِأَحْسَنِ مَنَازِلِ الْقُرْآنِ وَ رُدُّوهُمْ وَرُودَ الْهَيْمِ الْعِطَاشِ (خطبه ۸۷)</p>
<p>انتخاب آدم ﷺ به عنوان نخستین پیامبر</p>	<p>نبوت عامه</p>	<p>ثُمَّ اخْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَ هَدَىٰ (طه: ۱۲۲)</p>	<p>اخْتَارَ آدَمَ ﷺ خَيْرَةً مِّن خَلْقِهِ وَ جَعَلَهُ أَوَّلَ جِبِلَّتِهِ (خطبه ۹۱)</p>
<p>خاتمیت نبوت با پیامبر ﷺ</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتِمَ النَّبِيِّينَ (احزاب: ۴۰)</p>	<p>حَتَّى تَمَّتْ بَنَاتُنَا مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ وَ بَلَغَ الْمُقَطَّعُ عِذْرَهُ وَ نُذِرُهُ (خطبه ۹۱)</p>
<p>اوصاف اصحاب پیامبر ﷺ</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>مُحَمَّدٌ رَّسُولَ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ (فتح: ۲۹)</p>	<p>لَقَدْ رَأَيْتُ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ فَمَا أَرَىٰ أَحَدًا يُشَبِّهُهُمْ مِنْكُمْ، لَقَدْ كَانُوا يُصْبِحُونَ شِعْثًا غُبْرًا وَ قَدْ بَاتُوا سُجَّدًا وَ قِيَامًا، يَرَاوِحُونَ بَيْنَ جِبَاهِهِمْ وَ حُدُودِهِمْ وَ يَقْفُونَ عَلَى مِثْلِ الْجَمْرِ مِمَّنْ ذَكَرَ مَعَادِهِمْ، كَأَنَّ بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ رُكْبَ الْمَعْرَىٰ مِمَّنْ طَوَّلَ سُجُودِهِمْ (خطبه ۹۷)</p>
<p>امانت‌داری پیامبر ﷺ در ابلاغ وحی</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>مَا كَذَّبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ (نجم: ۱۱)</p>	<p>إِنَّ الَّذِي أُتْبِئْتُكُمْ بِهِ عَنِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، مَا كَذَّبَ الْمَبْلُغُ وَ لَا جِهْلُ السَّمَاعِ (خطبه ۱۰۱)</p>
<p>اخلاق والای پیامبر ﷺ</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (قلم: ۴)</p>	<p>حَتَّى بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا شَهِيدًا وَ نَشِيرًا وَ نَذِيرًا، خَيْرَ النَّبِيِّينَ طِفْلًا، وَ أَنْجَبَهَا كَهْلًا، وَ أَطَهَرَ الْمُطَهَّرِينَ شَيْمَةً، وَ أَحْجَدَ الْمُسْتَمْطَرِينَ دَيْمَةً (خطبه ۱۰۵)</p>

<p>دلسوزی و مهربانی بی نظیر پیامبر ﷺ برای امت</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ (توبه: ۱۲۸)</p>	<p>طَيِّبٌ دَوَارٌ بَطْنِهِ، قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبِ عَمِيٍّ وَ أَذَانِ صَمٍّ وَ أَلْسِنَةِ بُكْمٍ (خطبه ۱۰۸)</p>
<p>عدم دلبستگی پیامبر ﷺ به دنیا</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِنْ كُنْتُمْ تُرَدُّنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زَيَّنْتَهَا فَمَتَّعَيْنَ أَمْتَعَكُنَّ وَ أَسْرَخَكُنَّ سَرَّاحًا جَمِيلًا (احزاب: ۲۸)</p>	<p>قَدْ حَقَّرَ الدُّنْيَا وَ صَغَّرَهَا وَ أَهْوَنَ بِهَا وَ هُوَّنَهَا وَ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ زَوَّاهَا عَنْهُ اخْتِياراً وَ بَسَطَهَا لِغَيْرِهِ اخْتِقَاراً (خطبه ۱۰۹)</p>
<p>مكلف بودن مردم در پیروی از پیامبر ﷺ</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهَدَاهُمْ أَقْتَدَهُ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (انعام: ۹۰)</p>	<p>وَ اقْتَدُوا بِهِدَى نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهُدَى، وَ اسْتَنْتُوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ (خطبه ۱۱۰)</p>
<p>اذن توسل به پیامبران</p>	<p>نبوت عامه</p>	<p>يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ (مائده: ۳۵)</p>	<p>إِنْ أَفْضَلَ مَا تَوْسَلُ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى: الْإِيمَانُ بِهِ وَ بِرَسُولِهِ (خطبه ۱۱۰)</p>
<p>پیامبر ﷺ دعوت کننده به حق</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>وَ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا (احزاب: ۴۶)</p>	<p>ارْسَلَهُ دَاعِيًا إِلَى الْحَقِّ وَ شَاهِدًا عَلَى الْخَلْقِ (خطبه ۱۱۶)</p>
<p>برخورداری پیامبر ﷺ از علم غیب</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>عَالِمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِنْ أَرْتَضَى مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يُسَلِّكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مَنْ خَلْفَهُ رَصَدًا (جن: ۲۶-۲۷)</p>	<p>فَهَذَا عِلْمُ الْغَيْبِ الَّذِي لَا يَعْلَمُهُ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ، وَ مَا سِوَى ذَلِكَ فَعِلْمٌ عَلَّمَهُ اللَّهُ نَبِيَّهُ فَعَلَّمَنِيهِ وَ دَعَا لِي بِأَنْ يَعْيَبَهُ صَدْرِي وَ تَضَطَّعَ عَلَيْهِ جَوَانِحِي (خطبه ۱۲۸)</p>
<p>جهاد پیامبر ﷺ با کافران و منافقان</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُشْرِكِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَا وَاهِمُ جِهَنَّمَ وَ بئْسَ الْمَصِيرُ (توبه: ۳)</p>	<p>فَجَاهَدَ فِي اللَّهِ الْمُدْبِرِينَ عَنْهُ وَ الْعَادِلِينَ بِهِ (خطبه ۱۳۳)</p>

<p>وحی الهی به پیامبران</p>	<p>نبوت عامه</p>	<p>إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالتَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا (نساء: ۱۶۳)</p>	<p>بَعَثَ اللَّهُ رَسُولَهُ بِمَا خَصَّهُمْ بِهِ مِنْ وَحْيِهِ (خطبه ۱۴۴)</p>
<p>اتمام حجت خداوند با فرستادن پیامبران</p>	<p>نبوت عامه</p>	<p>فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَتَنْبَحِ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (قص: ۴۷) وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا (اسراء: ۱۵)</p>	<p>بَعَثَ اللَّهُ رَسُولَهُ بِمَا خَصَّهُمْ بِهِ مِنْ وَحْيِهِ، وَ جَعَلَهُمْ حُجَّةً لَهُ عَلَى خَلْقِهِ، لِنَلَّا تَجِبَ الْحُجَّةَ لَهُمْ بِتَرْكِ الإِعْذَارِ إِلَيْهِمْ (خطبه ۱۴۴)</p>
<p>هدایت مردمان با قرآن</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (حدید: ۹)</p>	<p>فَبَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الأَوْثَانِ إِلَى عِبَادَتِهِ وَ مِنْ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ إِلَى طَاعَتِهِ، يَقْرَأُ قَدْ بَيَّنَّه (خطبه ۱۴۷)</p>
<p>پیامبر ﷺ بنده خاص خدا</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا (اسراء: ۱)</p>	<p>وَ أَسْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَسْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ (خطبه ۱۵۱)</p>
<p>وجود فترت در میان پیامبران</p>	<p>نبوت عامه</p>	<p>يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يَبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فِتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ (مائده: ۱۹)</p>	<p>يَخِيُونَ عَلَى فِتْرَةٍ وَ يَمُوتُونَ عَلَى كَفْرَةٍ (خطبه ۱۵۱)</p>
<p>پیامبر ﷺ عامل حیات بشر</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (انفال: ۲۴)</p>	<p>فَاسْتَجِيبُوا لِلدَّاعِي وَ اتَّبِعُوا الرَّاعِي (خطبه ۱۵۴)</p>

<p>الگوبرداری از پیامبر ﷺ</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (احزاب: ۲۱)</p>	<p>فَتَأْسَىٰ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ، فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةً لِمَن تَأْسَىٰ وَ عَزَاءً لِمَن تَعَزَى (خطبه ۱۶۰)</p>
<p>پیروی از پیامبر ﷺ موجب محبوبیت نزد خداوند</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (آل عمران: ۳۱)</p>	<p>فَتَأْسَىٰ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ، فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةً لِمَن تَأْسَىٰ وَ عَزَاءً لِمَن تَعَزَى، وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمَتَأْسَى بِنَبِيِّهِ (خطبه ۱۶۰)</p>
<p>روی‌گردانی از دستوره‌های خدا و پیامبر ﷺ عامل نگون‌بختی</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَافِرِينَ (آل عمران: ۳۲)</p>	<p>وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ فِيْنَا إِلَّا حُبْنَا مَا أَبْغَضَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ، وَ تَعْظِيمُنَا مَا صَغُرَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ، لَكَفَىٰ بِهِ سِقَاقًا لِلَّهِ وَ مُحَادَّةً عَنِ أَمْرِ اللَّهِ (خطبه ۱۶۰)</p>
<p>هدایت و گمراهی با قرآن</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>وَ نُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (اسراء: ۸۲)</p>	<p>إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ رَسُولًا هَادِيًا بِكِتَابٍ نَاطِقٍ وَ أَمْرٍ قَائِمٍ، لَا يَهْلِكُ عَنْهُ إِلَّا هَالِكٌ (خطبه ۱۶۹)</p>
<p>امانت‌داری پیامبر ﷺ در ابلاغ وحی</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى (نجم: ۴-۳)</p>	<p>أَمِينٌ وَ حِيَه (خطبه ۱۷۳)</p>
<p>انذارگری پیامبر ﷺ</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>وَ أَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ (البراهیم: ۴۴)</p>	<p>بَشِيرٍ رَّحْمَتِهِ وَ نَذِيرٍ نَقْمَتِهِ (خطبه ۱۷۳)</p>
<p>سنت تکذیب پیامبران توسط امت‌ها</p>	<p>نبوت عامه</p>	<p>كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَ ثَمُودُ وَ عَادُ وَ فِرْعَوْنُ وَ إِخْوَانُ لُوطَ وَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَ قَوْمُ ثَبَعٍ كُلُّ كَذَّابٍ الْمُرْسَلِ فَحَقَّ وَعِيدِ (ق: ۱۲-۱۴)</p>	<p>وَ إِنْ لَكُمْ فِي الْقُرُونِ السَّالِفَةِ لَعِبْرَةٌ، أَيْنَ الْعَمَالِقَةُ وَ أبنَاءُ الْعَمَالِقَةِ؟ أَيْنَ الْفِرَاعِنَةُ وَ أبنَاءُ الْفِرَاعِنَةِ؟ أَيْنَ أَصْحَابُ مَدَائِنِ الرَّسِّ الَّذِينَ قَتَلُوا النَّبِيِّينَ وَ أَطْفَأُوا سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَحْيَاوْا سُنَنَ الْجَبَّارِينَ؟ (خطبه ۱۸۲)</p>
<p>ارسال پیامبران برای هدایت انسان‌ها و جنیان</p>	<p>نبوت عامه</p>	<p>يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي (انعام: ۱۳۰)</p>	<p>وَ بَعَثَ إِلَى الْجِنِّ وَ الْإِنسِ رُسُلَهُ، لِيَكْتَشِفُوا لَهُمْ عَنْ غِطَائِهَا وَ لِيَحْذَرُواهُمْ مِنْ ضَرَائِهَا (خطبه ۱۸۳)</p>
<p>دعوت علنی پس از دعوت پنهانی</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرَضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ (حجر: ۹۴)</p>	<p>فَبَلَّغَ الرِّسَالَةَ صَادِعًا بِهَا (خطبه ۱۸۵)</p>

<p>پیروی از خدا و پیامبر ﷺ شرط رستگاری</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (نور: ۵۲)</p>	<p>فَارْعَوْا عِبَادَ اللَّهِ مَا بَرَعَايَتَهُ يَفُوزَ فَايُزَكِّمُ (خطبه ۱۹۰)</p>
<p>جاهلیت مردم عصر پیامبر ﷺ</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (جمعه: ۲)</p>	<p>وَأَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، إِبْتِغَاءَهُ وَ النَّاسِ يَضْرِبُونَ فِي عَمْرَةٍ وَ يَمُوجُونَ فِي حَبْرَةٍ؛ قَدْ قَادَتْهُمْ أُرْمَةُ الْحَيْنِ، وَ اسْتَعْلَقَتْ عَلَى أَفئِدَتِهِمْ أَقْفَالُ الرَّيْنِ (خطبه ۱۹۱)</p>
<p>فروتنی پیامبر ﷺ برای مؤمنان</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ (انعام: ۵۴)</p>	<p>فَلَوْ رَخَّصَ اللَّهُ فِي الْكِبَرِ لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِهِ لَرَخَّصَ فِيهِ لِخَاصَّةِ أَنْبِيَائِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ، وَ لَكِنَّهُ سُبْحَانَهُ كَرِهَ إِلَيْهِمُ التَّكَابُرَ وَ رَضِيَ لَهُمُ التَّوَّاضِعَ، فَالْصَّقُوا بِالْأَرْضِ خُدُودَهُمْ وَ عَفَرُوا فِي التُّرَابِ وَ جُوهَهُمْ وَ حَفَضُوا أَجْنِحَتَهُمْ لِلْمُؤْمِنِينَ (خطبه ۱۹۲)</p>
<p>برقراری الفت در میان مردم توسط پیامبر ﷺ</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا (آل عمران: ۱۰۳)</p>	<p>حِينَ بَعَثَ إِلَيْهِمْ رَسُولًا، فَعَقَدَ بِلَمَلَتِهِ طَاعَتَهُمْ وَ جَمَعَ عَلَى دَعْوَتِهِ الْفِتْنَةَ (خطبه ۱۹۲)</p>
<p>عدم اجبار در دعوت مردم به ایمان آوردن</p>	<p>نبوت عامه</p>	<p>إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ (شعراء: ۴)</p>	<p>وَ لَوْ كَانَتِ الْأَنْبِيَاءُ أَهْلَ قُوَّةٍ لَا تَرَامُ وَ عِزَّةٍ لَا تَضَامُ وَ مُلْكٍ تَمُدُّ نَحْوَهُ أَعْنَاقُ الرَّجَالِ وَ تَشُدُّ إِلَيْهِ عَقَدُ الرَّحَالِ، لَكَانَ ذَلِكَ أَهْوَنَ عَلَى الْخَلْقِ فِي الْأَعْتَابِ وَ أَبْعَدَ لَهُمْ فِي الْإِسْتِكْبَارِ، وَ لَأَمْنُوا عَنْ رَهْبَةٍ قَاهِرَةٍ لَهُمْ أَوْ رَغْبَةٍ مَائِلَةٍ بِهِمْ، فَكَانَتِ النَّبِيَّاتُ مُشْتَرَكَةً وَ الْحَسَنَاتُ مُقْتَسَمَةً (خطبه ۱۹۲)</p>
<p>امتناع از آوردن معجزات اقتراحی</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>وَ لَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قُرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (انعام: ۷)</p>	<p>نَحْنُ نَسْأَلُكَ أَمْرًا إِنْ أَنْتَ أَجَبْتِنَا إِلَيْهِ وَ أَرَبَيْتِنَاهُ، عَلِمْنَا أَنَّكَ نَبِيٌّ وَ رَسُولٌ، وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ عَلِمْنَا أَنَّكَ سَاحِرٌ كَذَّابٌ. فَقَالَ وَ مَا تَسْأَلُونَ؟ قَالُوا تَدْعُو لَنَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ حَتَّى تَنْقَلِعَ بِعُرُوقِهَا وَ تَقِفَ بَيْنَ يَدَيْكَ (خطبه ۱۹۲)</p>

<p>رنج طاقت‌فرسای پیامبر ﷺ در تبلیغ دین</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى (طه: ۲)</p>	<p>وَنَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، خَاضَ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ كُلَّ غَمْرَةٍ وَتَجَرَّعَ فِيهِ كُلَّ غَضَّةٍ (خطبه ۱۹۴)</p>
<p>قرآن وسیله تبلیغ و هدایت مردم</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (آل عمران: ۱۳۸)</p>	<p>فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي نَفَعَكُمْ بِمَوْعِظَتِهِ وَعَظَمَكُمْ بِرِسَالَتِهِ وَآمَنَ عَلَيْكُمْ بِنِعْمَتِهِ (خطبه ۱۹۸)</p>
<p>رضایت به فعل اقوام، عامل مشارکت در فعل آنان</p>	<p>نبوت عامه</p>	<p>الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدَ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِينَا بِقُرْآنٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (آل عمران: ۱۸۳)</p>	<p>أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسَ الرِّضَا وَالسُّخْطُ، وَإِنَّمَا عَقَرُ نَاقَتَهُ تَمُودُ رَجُلٌ وَاحِدٌ، فَعَمَّهِمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لَمَّا عَمَّوهُ بِالرِّضَا، فَقَالَ سُبْحَانَهُ: فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ (خطبه ۲۰۱)</p>
<p>پیروزی نهایی با رسولان</p>	<p>نبوت عامه</p>	<p>كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (مجادله: ۲۱)</p>	<p>أَرْسَلَهُ بِالضُّبْيَاءِ وَقَدَّمَهُ فِي الْأَصْطَفَاءِ، فَرَتَّقَ بِهِ الْمَفَاتِقَ وَسَاوَرَ بِهِ الْمَغَالِبَ (خطبه ۲۱۳)</p>
<p>توطئه برضد پیامبر ﷺ</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>إِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ بِالَّذِينَ كَفَرُوا أَلَمْ يَكْفُرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا كَانُوا يَكُونُونَ (انفال: ۳۰)</p>	<p>فَارَادَ قَوْمُنَا قَتْلَ نَبِيِّنَا وَاجْتِيَاخَ أَصْلَانَا، وَهَمُّوا بِنَا الْهَمُومِ وَفَعَلُوا بِنَا الْأَفَاعِيلَ وَمَنْعُونَا الْعَذْبَ وَأَخْلَسُونَا الْخَوْفَ وَاضْطَرُّونَا إِلَى جَبَلٍ وَعَرَّ وَأَوْقَدُوا لَنَا نَارَ الْحَرْبِ؛ فَعَزَمَ اللَّهُ لَنَا عَلَى الذَّبِّ عَنِ حَوْزَتِهِ وَ الرَّمْيِ مِنْ وَرَاءِ حُرْمَتِهِ (نامه ۹)</p>
<p>یاری پیامبر ﷺ توسط خداوند و مؤمنان</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>هُوَ الَّذِي أَيْدِكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ (انفال: ۶۲)</p>	<p>أَمَّا بَعْدُ، فَقَدْ أَتَانِي كِتَابُكَ تَذَكُّرٌ فِيهِ اصْطِفَاءُ اللَّهِ مُحَمَّدًا لِدِينِهِ، وَتَأْيِيدُهُ إِيَّاهُ بِمَنْ أَيْدَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ (نامه ۲۸)</p>
<p>درود ویژه خداوند بر پیامبر ﷺ</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (احزاب: ۵۶)</p>	<p>وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَسَلَّمَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا كَثِيرًا وَالسَّلَامُ (نامه ۵۳)</p>
<p>پیامبر ﷺ شاهد بر پیامبران و امت‌ها</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>وَيَوْمَ نُبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ (نحل: ۸۹)</p>	<p>أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ وَ مَهْمِينًا عَلَى الْمُرْسَلِينَ (نامه ۶۲)</p>

<p>اطاعت و نافرمانی از خداوند معیار دوستی و دشمنی با پیامبر ﷺ</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا (نساء: ۶۹)</p>	<p>ثُمَّ قَالَ إِنَّ وَلِيَّ مُحَمَّدٍ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَابْتَدَأَتْ لِحَمَّتِهِ، وَإِنْ عَدُوُّ مُحَمَّدٍ مَنْ عَصَى اللَّهَ وَابْتَدَأَتْ قَرَابَتُهُ (حکمت ۹۶)</p>
<p>شفیع قرار دادن پیامبر ﷺ به هنگام مسئلت از خداوند</p>	<p>نبوت خاصه</p>	<p>وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا (نساء: ۶۴)</p>	<p>إِذَا كَانَتْ لَكَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ حَاجَةٌ، فَأَبْدَأْ بِمَسْأَلَةِ الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِهِ ثُمَّ سَلْ حَاجَتَكَ (حکمت ۳۶۱)</p>

## ۲-۳-۲. جمع‌بندی و تحلیل جدول

بررسی و مقایسه گزاره‌های نهج البلاغه و قرآن در موضوع نبوت نشان می‌دهد که به موضوع نبوت عامه ۲۲ بار اشاره شده است و مسائل ذیل احصا شد: انتخاب پیامبران برای هدایت؛ پیمان گرفتن خداوند از پیامبران؛ وظیفه تبلیغ؛ فرستادن پیامبر برای هر امتی؛ فرستادن پیامبر؛ مطالبه از مردم برای به‌جای آوردن عهد فطری خداوند با آنان؛ یادآوری نعمت‌های فراموش شده؛ فرستادن حجت الهی برای هر امتی؛ ضرورت وجود وصی برای هر پیامبری؛ کمی حق باوران و فراوانی حق‌ستیزان؛ موضع‌گیری متفاوت مردمان در قبال دعوت پیامبران؛ بشر بودن پیامبران؛ انتخاب آدم ﷺ به‌عنوان نخستین پیامبر ﷺ؛ اذن توسل به پیامبران؛ وحی الهی به پیامبران؛ اتمام حجت خداوند با فرستادن پیامبران؛ وجود فترت در میان پیامبران؛ سنت تکذیب پیامبران توسط امت‌ها؛ ارسال پیامبران برای هدایت انسان‌ها و جنیان؛ عدم اجبار در دعوت مردم به ایمان آوردن؛ رضایت به فعل اقوام؛ عامل مشارکت در فعل اقوام؛ پیروزی نهایی با رسولان.

به نبوت خاصه نیز ۴۵ بار اشاره شده است و این مسائل ذیل آن احصا شد: آشنا بودن پیامبر خاتم ﷺ برای پیروان ادیان دیگر؛ هدایت عرب جاهلیت و نجات آنان از آتش جهنم؛ بشارت بر نبوت پیامبر خاتم ﷺ؛ اهل بیت ﷺ؛ جانشینان پیامبر ﷺ (دو بار)؛ دعوت پیامبر ﷺ با علم و استدلال؛ پیامبر ﷺ مبعوث به‌سوی همه مردمان؛ امان‌داری پیامبر ﷺ در ابلاغ وحی (سه بار)؛ جاهلیت مردم عصر پیامبر ﷺ (دو بار)؛ قتال پیامبر ﷺ و یاران با خویشان کافر؛ درود ویژه خداوند بر پیامبر ﷺ (دو بار)؛ خاتمیت نبوت با پیامبر ﷺ؛ خاتمیت نبوت با پیامبر ﷺ؛ اوصاف اصحاب پیامبر ﷺ؛ اخلاق والای پیامبر ﷺ؛ دلسوزی و مهربانی بی‌نظیر پیامبر ﷺ برای امت؛ عدم دلبستگی پیامبر ﷺ به دنیا؛ مکلف بودن مردم در پیروی از پیامبر ﷺ؛ پیامبر ﷺ دعوت‌کننده به حق؛ برخورداری پیامبر ﷺ از علم غیب؛

جهاد پیامبر ﷺ با کافران و منافقان؛ هدایت مردمان با قرآن؛ پیامبر ﷺ بنده خاص خدا؛ پیامبر ﷺ عامل حیات بشر؛ الگوبرداری از پیامبر ﷺ؛ پیروی از پیامبر ﷺ موجب محبوبیت نزد خداوند؛ روی گردانی از دستورهای خدا و پیامبر ﷺ عامل نگون‌بختی؛ هدایت و گمراهی با قرآن؛ اندازگری پیامبر ﷺ؛ دعوت علنی پس از دعوت پنهانی؛ پیروی از خدا و پیامبر ﷺ شرط رستگاری؛ فروتنی پیامبر ﷺ برای مؤمنان؛ برقراری الفت در میان مردم توسط پیامبر ﷺ؛ امتناع از آوردن معجزات اقتراحی؛ رنج طاقت‌فرسای پیامبر ﷺ در تبلیغ دین؛ قرآن وسیله تبلیغ و هدایت مردم؛ توطئه برضد پیامبر ﷺ؛ یاری پیامبر ﷺ توسط خداوند و مؤمنان؛ پیامبر ﷺ شاهد بر پیامبران و امت‌ها؛ اطاعت و نافرمانی از خداوند معیار دوستی و دشمنی با پیامبر ﷺ؛ شفیع قرار دادن پیامبر ﷺ به هنگام مسئلت از خداوند فزونی بحث درباره مسائل نبوت خاصه در مقایسه با نبوت عامه، دلایل متعددی دارد؛ از جمله: ۱. امام علی علیه السلام در عصر نبوت پیامبر ﷺ قرار داشتند و تبیین ابعاد رسالت آن حضرت ضرورت داشت؛ ۲. انحراف امت از توصیه‌ها و آموزه‌های پیامبر ﷺ و به‌ویژه کنار گذاشتن وصی و جانشین آن حضرت، موجب شکل‌گیری تحریف‌های فراوان در ابعاد و اهداف نبوت پیامبر ﷺ شد؛ از این رو لازم بود که برای زدودن این انحرافات، به تبیین آنها اهتمام ورزد؛ ۳. امامت امام علی علیه السلام امتداد نبوت پیامبر خاتم ﷺ است و آن حضرت و فرزندانشان در همه ویژگی‌های پیامبر ﷺ به‌جز نبوت، مشترک است. تبیین مسائل نبوت خاصه، به‌صورت غیرمستقیم روشن‌کننده جانشینان شایسته رسول خدا ﷺ خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

از ارتباط میان نهج‌البلاغه و قرآن روشن شد که آموزه‌های قرآنی در موضوع نبوت به‌صورت غیرمستقیم فراوان در نهج‌البلاغه به‌کار رفته است و با تحلیل و تعمق می‌توان ارتباط مفهومی سخنان امام علی علیه السلام با آیات را دریافت. گزاره‌هایی که در این سطح از بینامتنیت قرار دارند، در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های ذیل به‌کار رفته‌اند: خطبه‌های ۱، ۲، ۱۶، ۲۰، ۲۶، ۳۳، ۵۶، ۷۲، ۸۷، ۹۱، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۶۰، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۸، ۲۰۱ و ۲۱۳؛ نامه‌های ۹، ۲۸، ۵۳ و ۶۲؛ و حکمت‌های ۹۶ و ۳۶۱. گستردگی مباحث نبوت در نهج‌البلاغه و اثرپذیری امام علی علیه السلام از آیات قرآن، نشان داد همان‌گونه که در قرآن فراوان درباره نبوت عامه و خاصه در قالب قصص پیامبران و تبیین حوادث عصر پیامبر ﷺ بحث شده است، امام علی علیه السلام نیز با الهام از آیات قرآن، مسائل نبوت، به‌ویژه نبوت خاصه را تبیین فرموده‌اند. در بیانات ایشان به نبوت عامه ۲۲ بار اشاره شده که مسائلی مانند انتخاب پیامبران برای هدایت، پیمان گرفتن خداوند از پیامبران و وظیفه تبلیغ انعکاس یافته است. به نبوت خاصه نیز ۴۵ بار اشاره شده و موضوعاتی مانند آشنا بودن پیامبر خاتم ﷺ برای پیروان ادیان دیگر، هدایت عرب جاهلیت و نجات آنان از آتش جهنم، بشارت بر نبوت پیامبر خاتم ﷺ، و جانشینی اهل بیت علیهم السلام برای پیامبر ﷺ آمده است.

## منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی (۱۳۷۳). قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ق). *دعائم الإسلام*. تحقیق: آصف فیضی. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیه السلام.
- ابوحنیفه، نعمان بن ثابت (۱۴۲۵ق). *الفقه الألبسط*. تحقیق: زاهد کوثری. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- امامی، زهره (۱۳۹۳). بررسی بینامتنیت قرآنی در اشعار دیک‌جن حصصی. در مجموعه مقالات همایش ملی بینامتنیت، قم: پویشگر.
- تقوایی کارمزدی، فاطمه (۱۳۹۴). تحلیل سطوح بینامتنی در مجموعه‌های «گوشواره عرش» و «خواب ارغوانی» علی موسوی گرماروندی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
- جعفری، یعقوب (۱۳۷۶). تفسیر کوثر. قم: هجرت.
- جمالی، ولی‌الله و جوادیپور، غلامحسین (۱۴۰۰). تحلیل ضرورت نبوت براساس فرایند اجتماعی معرفت. معرفت کلامی، ۱۲(۲۶)، ۵۶-۴۱.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). تسنیم. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). تسنیم. قم: اسراء.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (بی‌تا). *المستدرک علی الصحیحین*. بیروت: دار الفکر.
- حبیبی، علی اصغر (۱۳۹۲). بررسی روابط بینامتنی میان شعر صفی‌الدین حلی و قرآن کریم. پژوهش‌های ادبی - قرآنی، ۱(۴)، ۶۱-۳۷.
- حسینی فر، سمیرا (۱۳۹۹). تحلیل روابط بینامتنی «آخرت» در نهج‌البلاغه و قرآن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شاهد. دانشکده علوم انسانی. گروه علوم قرآن و حدیث.
- راستگو، سیدمحمد (۱۳۹۶). تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی. تهران: سمت.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۷۶). الهیات و معارف اسلامی. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج‌البلاغه*. تحقیق: صبحی صالح. قم: مؤسسه دار‌الهجره.
- سیدشرف‌الدین، عبدالحسین (۱۴۰۲ق). *المراجعات*. تحقیق: حسین راضی. قم: المجمع العالمی لأهل‌البتیت علیهم السلام.
- شاهرخی شهرکی، فرنگیس، بیگزاده، خلیل و صادقی، اسماعیل (۱۳۹۵). خوانش رابطه بینامتنی شعر رضوی معاصر و قرآن کریم. فرهنگ رضوی، ۵(۱۸)، ۱۱۷-۱۴۴.
- شیبانی، احمد بن محمد (۱۴۱۱ق). *اصول السنه*. سعودی: دار المنار.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفه.
- طحانی، اشرف، محمدجعفری، رسول و برج‌ساز، غفار (۱۴۰۰). تحلیل روابط بینامتنی «دنیا» در نهج‌البلاغه و قرآن کریم. دراسات حدیثه فی نهج‌البلاغه، ۵(۱)، ۱۷-۲۹.

- غروی‌ان، محسن، غلامی، محمدرضا و میرباقری، محمدحسین (۱۳۷۵). *بحثی مبسوط در آموزش عقاید*. ایران، قم: موسسه دارالعلوم فاریاب، محمدحسین (۱۳۹۱). امامت در مکتب صادق آل محمد علیهم‌السلام، معرفت کلامی، ۲(۷)، ۲۵-۴۶.
- فرات کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). *تفسیر فرات الکوفی*. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- کریمی، حمید (۱۳۹۴). دفاع مجدد از دلیل عقلی ضرورت وحی بر اساس حکمت الهی، معرفت کلامی، ۶(۱۵)، ۱۳۷-۱۵۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تصحیح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مسیوق، سیدمهدی (۱۳۹۲). روابط بینامتنی قرآن با خطبه‌های نهج‌البلاغه. *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ۱۰(۲)، ۲۰۵-۲۲۴.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶). *آموزش عقاید*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). *سیری در نهج‌البلاغه*. تهران: صدرا.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۸۷). *در سایه‌سار نهج‌البلاغه*، مترجمان: محمدجواد معموری، حسن بستان، محمدباقر معموری، زهرا حسنی، اعظم حیدری عارف و مهدی ملک‌محمدی. قم: دار الکتب الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). *پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳). *آیات الولاية فی القرآن*. قم: مدرسه الإمام علی بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۸۳). *درس‌هایی از نهج‌البلاغه*. تهران: سرایی.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۰). *درآمدی بر بینامتنیت، نظریه‌ها و کاربردها*. تهران: سخن.
- نسائی، احمد بن شعیب (۱۳۴۸ق). *السنن*. بیروت: دار الفکر.